

عاشورا و انتظار (پیوندها، تحلیل‌ها و رهیافت‌ها)

● مسعود پورسیدآقایی

مهدی (عج)، ادامه حسین علیه السلام است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن. مهدی (عج)، فرزند حسین علیه السلام است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند. یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛ یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛ یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛ «مهدی» علیه السلام وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین» علیه السلام وارث پیامبران است؛ عاشورا، دریچه‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛ فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است.

پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و مهدی»، پیوند «والد» و «ماولد» و «نور علی نور»

است.



انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است و چهره باطل، برای همیشه دفن می شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع، فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساخت و فطرت انسان ها همگون است - لیک می گویند.

انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا انتظار بی معنا است. یاران مهدی، همه کربلایی اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و آبدیده اند. مگر می توان بی عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی پشتوانه است.

«عاشورا» انتظار برآورده نشده شیعه است و «انتظار» عاشورای برآورده شده شیعه.

حرکتی جهانی و به وسعت آمال همه انسان های تاریخ، پشتوانه و عقبه ای می خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید.^۱

«انتظار» ادامه عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین^۲ و ثمره خون او که در شریان تاریخ به جوش آمده است.

«انتظار» بشارتی است به حق، بر همه دردها و آلام شیعه در کربلا و تاریخ.

مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین علیه السلام در مسیر کوفه، در کربلا به زمین گذاشت؛ به کوفه می رساند.

مهدی علیه السلام پرچم افتاده حسین علیه السلام را بر خواهد افراشت و آرمان های بلند او را تحقق خواهد بخشید.

مهدی علیه السلام، بذری را که حسین علیه السلام در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد.

«انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر»

می خشکید.

این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آن جا که می گویند:



شیعه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز»؛ عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند و با دیگری آن را «استمرار» می‌بخشد.^۳

برای ما دور ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین علیه السلام بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهده‌ی که با خدا و رسول بر پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته‌اند، به انجام برسانند: ﴿فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر﴾^۴.

یکم. پیوندها

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلایل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضمن بیان آنها، به تحلیل و رهیافت‌های برخاسته از آنها نیز خواهیم پرداخت.^۵

۱. مهدی علیه السلام، فرزند حسین علیه السلام

صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آنها تأکید شده، امام مهدی علیه السلام نهمین فرزند حضرت حسین علیه السلام است: «قائم هذه الامة هو التاسع من ولدی».^۶

۲. مهدی علیه السلام، خونخواه حسین علیه السلام

در روایات متعددی، وارد شده است: «القائم منّا اذا قام طلب بئار الحسین»؛^۷ «بهذا القائم انتقم منهم»؛^۸ امام باقر (ع) در مورد آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل»^۹ می‌فرماید: مقصود از «من قتل مظلوماً»، حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین (ع) بر می‌آید... مقتول حسین (ع) و ولی او قائم (عج) است.^{۱۰}



۳. یاد حسین علیه السلام، کلام نخستین مهدی علیه السلام

آن گاه که مهدی موعود ظهور کند، بین رکن و مقام می ایستد و چنین ندا می دهد:

«الا یا اهل العالم! انا الامام القائم؛

الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین طرحوه عریاناً؛

الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین سحقوه عدواناً».^{۱۱}

۴. «یا لثارات الحسین»، شعار یاران مهدی علیه السلام

فضل بن شاذان نقل می کند که شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان

حسین) است:

«انّ شعار اصحاب المهدي (عج) یا لثارات الحسین علیه السلام».^{۱۲}

۵. یاری حسین علیه السلام، یاری مهدی علیه السلام

حضرت سکینه (س) نقل می کند: امام حسین علیه السلام شبی در کربلا، خطاب به یاران خود

فرمود: «... و قد قال جدی رسول الله صلی الله علیه و آله: ولدی حسین یقتل بطف کربلا غریباً وحیداً

عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحجة و لو نصرنا بلسانه فهو فی حزبنا

یوم القيامة؛ همانا جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند من حسین در زمین کربلا، غریب و

تنها، عطشان و بی کس، کشته می شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را

یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد

بود».^{۱۳}

۶. یکسانی القاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتور» و «الطريد الشريد»، القاب مشترک حسین علیه السلام و

مهدی (عج) است: «ولکن صاحب هذا الامر الطريد الشريد الموتور بابیه...».^{۱۴}



«السلام عليك يا باب الله و السلام عليك يا ثار الله».^{۱۵}
«المتربق الخائف و الولي الناصح ، سفينة النجاة... و الوتر الموتور».^{۱۶}

۷. زیارت عاشورا

زیارت عاشورا - که زیارت مخصوص امام حسین علیه السلام است - در دو قسمت، از خون خواهی حسین علیه السلام در رکاب امام مهدی (عج) خبر می دهد:
«ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله» و «ان یرزقنی طلب ثاری [کم] مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم».

۸. روز عاشورا و یاد مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: یکدیگر را در روز عاشورا این گونه تعزیت دهید:
«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين و جعلنا و اياکم من الطالبین بثاره مع وليه الامام المهدی من آل محمد صلی الله علیه و آله؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین علیه السلام بزرگ گرداند و ما و شما را، از کسانی قرار دهد که به همراه ولی اش، امام مهدی از آل محمد صلی الله علیه و آله، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم».^{۱۷}

۹. عاشورا روز ظهور مهدی علیه السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: «کائی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی....^{۱۸}؛ گویا قائم را می بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می کند...»
امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلة ثلاث و عشرين و یقوم یوم عاشوراء یوم قتل فيه الحسين بن علی^{۱۹}؛ قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا می شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».



۱۰. میلاد حسین علیه السلام و یاد مهدی علیه السلام

در توفیق مبارک امام عسکری علیه السلام برای قاسم بن علاء همدانی آمده است که: در روز تولد امام حسین علیه السلام، این دعا را بخوان: «اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها... المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبتهم؛ خداوند! من تو را به مقام مولود این روز می خوانم. او پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می باشد».^{۲۰}

۱۱. میلاد مهدی علیه السلام و یاد حسین علیه السلام

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می نویسد:

با فضیلت ترین اعمال شب نیمه شعبان - که باعث آمرزش گناهان است - زیارت امام حسین علیه السلام می باشد. هر که می خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین علیه السلام را زیارت کند. اقل زیارت آن حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند؛ سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته» در قسمت «زیارات» نیز می نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده که: هر که بخواید با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می طلبند و به زیارت آن حضرت می آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر



اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و محمد ﷺ) نیز با ایشان اند. ۲۱

۱۲. شب قدر و یاد حسین علیهما السلام

شب قدر، متعلق به امام زمان علیهما السلام است و در این شب یکی از اعمال مستحبی، زیارت امام حسین علیهما السلام است. شیخ عباس قمی می نویسد:

«بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین علیهما السلام در ماه مبارک رمضان - خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسیار است. از حضرت امام محمد تقی علیهما السلام منقول است که هر که زیارت کند، امام حسین علیهما السلام را در شب بیست و سوم ماه رمضان - و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می شود - مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.

از حضرت صادق علیهما السلام مروی است: چون شب قدر می شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین علیهما السلام آمده، آمرزید. و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگذارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. ابن قولویه از حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیهما السلام را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو.»

۱۳. حسین علیهما السلام در کلام مهدی علیهما السلام

در دعای ندبه آمده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» و «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین».

و در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه آمده است: «فلئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقذور و لم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلأندبک



صباحاً و مساءً و لاَبْكَيْنَ لَكَ بدل الدموع دماً؛ اگر زمانه مرا به تاخیر انداخت و مقدمات از یاریت بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می بارم و به جای اشک خون می گیرم...»^{۲۲}

۱۴. زیارت حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام در عیدها

در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر؛ زیارت این دو امام، وارد شده است.^{۲۳}

۱۵. کوفه، پایگاه مشترک حسین علیه السلام، مهدی علیه السلام

امام حسین علیه السلام از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی علیه السلام از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد؛ یعنی، راه نیمه سیدالشهدا علیه السلام را به پایان خواهد رساند.^{۲۴}

۱۶. فرشتگان یاور حسین علیه السلام، یاوران مهدی علیه السلام

شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام نقل می کند:

«و لقد نزل الى الارض من الملائكة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غُبرٌ الى ان يقوم القائم فيكونون من انصاره و شعارهم يا لثارات الحسين؛^{۲۵} به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین علیه السلام [به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین علیه السلام] کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسين است.»

۱۷. رجعت حسین علیه السلام در دولت مهدی علیه السلام

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: امام حسین علیه السلام شب عاشورا به اصحابش فرمود: «... فابشروا بالجنة، فوالله انما نمکت ماشاء الله تعالى بعد ما یجری علينا، ثم یخرجنا الله و ایاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدکم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...؛ بشارت باد شمارا به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود،



مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...»^{۲۶}

و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن گفته، می‌فرماید: «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم».^{۲۷}

۱۸. حسین علیه السلام در سوگ مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه ﴿ثم رددنا لكم الكرة عليهم﴾^{۲۸} می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه خودهایی طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین علیه السلام را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند».

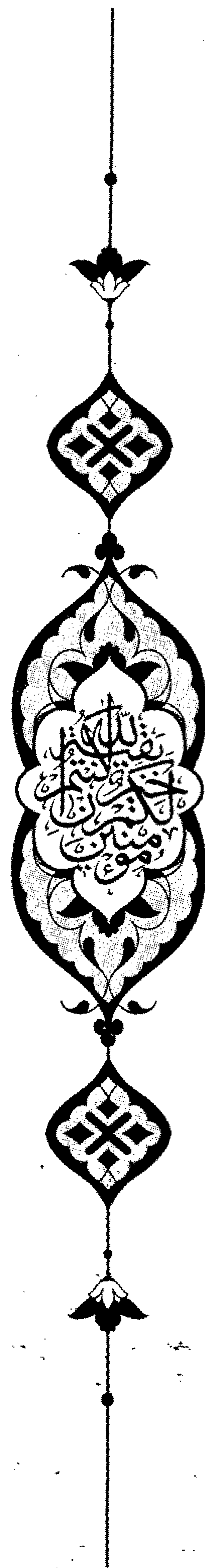
امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حسین علیه السلام با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان که همراه موسی علیه السلام هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‌گاه حضرت قائم علیه السلام انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین علیه السلام غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد».^{۲۹}

۱۹. مهدی علیه السلام و زنده نگه داشتن یاد عاشورا

در این باب، داستان‌های متعددی است که از میان آنها، داستان علامه بحر العلوم^{۳۰}، گواه خوبی بر عشق و علاقه وافر حضرت حجت علیه السلام به عزاداری و زنده نگه داشتن یاد عاشورا و شهدای کربلا است.

۲۰. مهدی علیه السلام و سفارش به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می‌کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟



عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه!^{۳۱}

۲۱. مهدی علیه السلام در سوگ حسین علیه السلام

علامه امینی (ره) در الغدیر^{۳۲} می گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیة الله - روحی له الفداه - به آن مجلس می شود. ما برای تیمن و تبرک چند بیت این قصیده را ذکر می کنیم.

ایقتل ظمآنآ حسین بکربلا	و فی کلّ عضو من انامله بحر
و والده الساقی علی الخوض فی غد	و فاطمة ماء الفرات لها مهر
فوالهف نفسی للحسین و ما جنی	علیه غداة الطف فی حربہ الشمر

۲۲. مصیبت حسین علیه السلام و تعجیل در فرج

صاحب مکیال المکارم می گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولایمان حضرت حجت علیه السلام را در خواب دیدار کرده بود و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است: «انی لادعوا لمؤمن یذکر مصیبة جدی الشهید، ثم یدعو لی بتعجیل الفرج و التأیید؛ همانا من برای هر شیعه ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید [امر من] دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد».^{۳۳}

۲۳. سختی مصیبت

مصیبت حسین علیه السلام سخت ترین مصیبت ها است:

«...فرزند تو به مصیبتی گرفتار می شود که مصیبت ها در کنار آن کوچک خواهد بود».^{۳۴}

«لا یوم کیومک یا ابا عبدالله»^{۳۵}.

مهدی (ع) نیز مصیبتش طولانی و محنتش شدید است. او شاهد همه رنج ها و

مصیبت هایی است که بر تمامی انسان ها و فرد فرد شیعیانش وارد می شود:



«انا غير مهملين لمراعاتكم و لا ناسين لذكرکم...»^{۳۶} ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.»

۲۴. اصلاح‌گری

امام حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام دو اصلاح‌گر سترگ‌اند. حسین علیه السلام می‌گوید: «انما خرجت لطلب الاصلاح.»

در مورد مهدی نیز آمده است: «لیصلح الامة بعد فسادها»^{۳۷}؛ خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام این امت را پس از آن‌که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند.»

۲۵. بیعت نکردن با طاغوت

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «لا والله لا اعطیکم اعطاء الذلیل و لا افترّ فرار العبید؛ نه به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم.» مهدی علیه السلام نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد.

«ما منّا احدٌ الا و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه الا القائم... لئلا یكون لاحد فی عنقه بیعة اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین»^{۳۸} هر کدام از ما (اهل بیت علیهم السلام) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند بر گردنش بیعت حاکمی نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است.»

۲۶. آرزوی شهادت در رکاب حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام

دو آرزو در روایات ما مطلوب است؛ یکی بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین و دیگری فیض جهاد و شهادت در رکاب امام مهدی علیه السلام:

«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً»^{۳۹}.

«اللهم انی اجدّد له فی صبیحة یومی هذا... و اجعلنی من انصاره... و المستشهدین بین یدیه... فاخرجنی من قبری مؤتراً کفنی شاهراً سیفی...»^{۴۰}.



دوم. تحلیل ها

۱. عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ «عاشورا»، زمینه ساز فرهنگ «انتظار» است. «انتظار» ادامه عاشورا است و چشم به راه حسین دیگری نشستن در کربلایی به وسعت جهان. فرهنگ «عاشورا» آن چنان در روح انسان ها، رسوخ کرده و آتش عشقش، شراره ای در دل ها انداخته که بدون تردید، مؤثرترین و پایدارترین عنصر فرهنگ ساز، برای شیعیان و تمامی انسان های آزاده عالم است. به گفته امام راحل (ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم».

۲. اشتراک در اهداف

هدف مهدی علیه السلام، نجات انسان ها از بردگی فکری و برداشتن زنجیرهای اسارت از آنان است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می رود».^{۴۱}

هدف امام حسین علیه السلام نیز در زیارت «اربعین» چنین بیان شده است: «و بذل مهجة فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضالة؛ خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسان ها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد». پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش ها است.

۳. مشابهت در زمانه

حسین علیه السلام زمانه خود را چنین توصیف می کند: «الا ترون انّ الحق لا يعمل به و انّ الهوى لا يترك عنه؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل خودداری نمی گردد»،^{۴۲} «فان السنة قد اميتت و انّ البدعة قد احييت؛ همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر، از بین رفته و بدعت ها زنده شده است». «و على الاسلام السلام اذا قد بليت الامة براعٍ مثل يزيد؛ اگر حاکم



امت، فردی همچون یزید باشد، پس باید فاتحهٔ اسلام را خواند».

زمانهٔ مهدی علیه السلام نیز چنین است: «يعطف الهوى على الهدى، اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن، اذا عطفوا القرآن على الرأى... و يحيى ميّت الكتاب والسنة؛ چون مهدی قیام کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی، بازگرداند؛ پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس بازگردانده باشند. آرا و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آنکه قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند... پس مهدی به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت».^{۴۳}

زمانهٔ مهدی علیه السلام و حسین علیه السلام، در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی‌دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه یکدیگر است.

مشابَهت در زمانه، ابعاد متعددی دارد؛ از تبلیغات جبههٔ باطل گرفته تا حاکمیت خلفای جور و غربت دین در عرصهٔ زندگی و جامعه. تبلیغات بنی‌امیه و معاویه علیه اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام^{۴۴}، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست‌ها، علیه ایران اسلامی دارد.

۴. مشابَهت در یاران

یاران حسین علیه السلام بهترین یاران و فدایی او بودند. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم نسبت به امام خود و سبقت در اجرای خواسته‌ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شجاعت یگانهٔ دوران بودند.

یاران مهدی علیه السلام نیز چنین‌اند: «هم اطوع له من الامة لسيدها؛ آنها مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند».^{۴۵}

«كذادون جاحدون فى طاعته»^{۴۶} یاران مهدی (عج) در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار کوشا و مصمم‌اند».

«لهم يسبهم الاولون و لايدرکهم الآخرون»^{۴۷} آنان [در شایستگی‌ها و امتیازات بر اوج رفیعی‌اند] نه از نسل‌های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام



والای آنان می رسد».

«رهبان باللیل لیوث بالنهار، کَانَ قلوبهم زیر الحديد؛ عابدان شب و شیران روزند،
[در شجاعت] قلوبشان همچون پاره های آهن است».^{۴۸}

۵. ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و رویش و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است.

ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت و گو حل می شود. باید به فکر پس از گفت و گو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفت و گو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «فاذا هم فریقان یختصمون...»^{۴۹}. به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت و گو حل می شود؟ آیا آمریکا با گفت و گو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟

نبرد حسین علیه السلام و یزید، جنگ مهدی علیه السلام و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همه زمین.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «لیس شأنه الا السیف؛^{۵۰} او فقط شمشیر را می شناسد».

امام صادق علیه السلام می فرماید: «یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل»؛^{۵۱} [یاران قائم] شمشیرهای خویش را بر زمین نمی نهند تا این که خدای عزوجل راضی شود».

۶. منتظران مهدی علیه السلام، پرورش یافتگان مکتب عاشورا

یاران مهدی علیه السلام، همه عاشورایی اند و در مکتب حسین علیه السلام پرورش یافته و بالیده اند. کسانی می توانند در رکاب مهدی علیه السلام باشند و امام حق را یاری رسانند که در مکتب «عاشورا» آبدیده شده و معیار جنگ و صلح را از او آموخته باشند که حسین علیه السلام خود معیار سلم و حرب و تولا و تبرا است.

۷. سختی و مشکلات راه

امام صادق علیه السلام می فرماید: «قیام امام زمان علیه السلام نشانه هایی دارد». راوی پرسید: آنها چیستند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «ذلک قول الله عزوجل و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع»^{۵۲} لو قد خرج قائمنا، لم یکن الا العلق و العرق و القوم علی السروج؛^{۵۳} این سخن خداوند است که «شما را با گرسنگی و ترس آزمایش می کند»؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکبها بودن در میدانهای مبارزه».

۸. پیوستن و جدا شدن یاران

به کاروان حسین علیه السلام کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، همچون زهیر و حرّ که یکی عثمانی بود و در صفین بر علیه علی علیه السلام شمشیر زده و دیگری فرمانده سپاه عمر سعد بود. و کسانی به بهانه های واهی نپیوستند، همچون طرمّاح بن عدی و یا پیوستند و جدا شدند و سعادت شهادت در کنار حسین علیه السلام را نداشتند؛ چه آنانی که در میانه راه جدا شدند و چه آنانی که در کربلا، از میدان معرکه گریختند.

در مورد یاران مهدی علیه السلام نیز داریم:

قال الصادق علیه السلام: «اذا خرج القائم یخرج من هذا الامر من کان یری انه من اهله و دخل فیه شبه عبدة الشمس والقمر»^{۵۴} هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت] او کسانی بیرون می روند که همواره چنین به نظر می رسد از یاران او باشند. و به امر [ولایت] او در می آیند آنانی که شبیه خورشید پرستان و ماه پرستانند.»

در مورد یهودیان جزیره العرب، نیز داریم که منتظر آمدن پیامبر بودند. اما وقتی آمد، به او کافر شدند. ﴿فلما جائهم ما عرفوا کفروا به﴾^{۵۵} از حسین نیز تقاضا کردند که بیاید و نامه ها نوشتند، اما هنگامی که آمد، به او پشت کردند و خون او را ریختند.

۹. الهام پذیری هر دو فرهنگ

حسین علیه السلام با شهادت خود، پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دلها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از



حرکتها و قیامهای حق طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شد. در عراق؛ بصره و کوفه (سلیمان بن صرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید)^{۵۶}. و هنوز هم همه عدالت خواهان و مردان تاریخ، می گویند باید پا جای پای حسین و شهدای کربلا گذاشت (گاندی).

انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی ترین و انگیزه سازترین آرمان های انسانی، نقش بی بدیلی در از بین بردن یأس و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد ﴿و نریدان نمن... و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین﴾. همچنان که می تواند به عنوان یک راهبرد اساسی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیر گذار باشد.

از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «ان لنا دولة یجیء بها الله اذا شاء ثم قال: من سرّه ان یکون من اصحاب القائم علیه السلام فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛^{۵۷} ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هرگاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود می شود که از یاران مهدی علیه السلام باشد؛ پس منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد.»

«یخرج اناس من المشرق و یوطنون للمهدی سلطانه؛ گروهی از مشرق زمین به پا خاسته و زمینه ساز حکومت امام مهدی علیه السلام می شوند.»

۱۰. زوال دولت های باطل

حسین علیه السلام، با شهادت خود، باعث رسوایی و در نتیجه نابودی دولت بنی امیه شد. مهدی علیه السلام نیز با ظهور خود، باعث رسوایی و تزلزل تمامی دولت های مستکبر، خواهد شد:

«اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛^{۵۸} هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین

می رود.»



در دعای ندبه، ندا سر می دهیم:

«این قاصم شوکه المعتدین؟ این هادم ابنیه الشرك و النفاق؟ این مبيد اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؟...»^{۵۹} کجا است درهم شکننده شوکت متجاوزان؟ کجا است ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجا است نابودکننده اهل نادرستی و عصیان و طغیان؟...»

در روایات نیز آمده است:

«و لایکون ملک الا للاسلام»^{۶۰} در آن روز حکومتی جز حکومت اسلام، نخواهد بود». «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب»^{۶۱} دولت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را فرا گیرد».

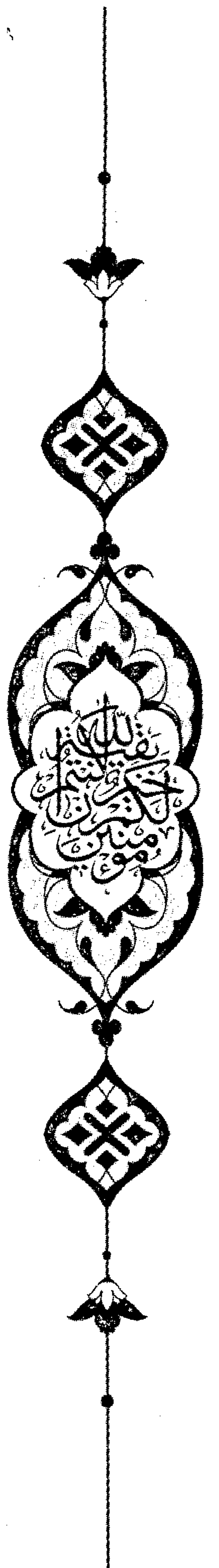
«اذا قام القائم لایبقی ارض الا نودی فیها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله»^{۶۲} هنگامی که مهدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی ماند مگر آن که گلبانگ توحید و رسالت پیامبر در آن بلند گردد».

۱۱. تکیه بر سنت‌های الهی

سنت خداوند چنین است که تا تحولی در وجود انسان‌ها پدید نیاید، وضعیت جامعه و اجتماع آنان، دگرگون نخواهد شد: ﴿ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم﴾^{۶۳} و سنت‌های الهی تخلف‌ناپذیر است: ﴿ولن تجد لسنة الله تبديلاً﴾^{۶۴}.

ظهور مهدی علیه السلام زمینه‌های مردمی و عده و عده‌ای را می‌طلبد که باید فراهم شود و این به عهده ما است؛ گرچه اگر ما کاری نکنیم، ظلم فراگیر و باطل خود زمینه ساز عدالت و حق خواهد بود؛ چون باطل رفتنی است: ﴿قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً﴾^{۶۵}.

البته این بدان معنا نیست که از امدادهای غیبی و معجزات استفاده نمی‌شود؛ بلکه امدادهای غیبی نیز از سنت‌های الهی است. و فرآیند خاص خود را دارد. به شهادت قرآن، پس از به کار گرفتن تمامی استعدادها، تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و شداید و طلب و درخواست انسان‌ها، امداد و عنایت الهی فرا خواهد رسید: ﴿ان تنصر الله ینصرکم﴾^{۶۶} و



﴿... ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتى يقول الرسول و الذين آمنوا معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب﴾^{۶۷}.

از شرایط اساسی ظهور حضرت حجت زمینه‌های مردمی است:

«ان المهدي لا يخرج حتى تقتل النفس الزكية... فاتي الناس المهدي فزفوه كما تزف العروس»^{۶۸}.

«...انه لا يخرج حتى لا يكون غائب احب الى الناس منه مما يلقون من الشر»^{۶۹}.

۱۲. نقش زنان

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی - از صدر اسلام تا کنون - به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است.

«عاشورا» تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پر حضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن دریادل کربلا و همسر و دختران امام حسین علیه السلام - به عنوان پیام‌آوران واقعه‌ی عاشورا - از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام و هب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری^{۷۰} و حتی زنان قبیله‌ی بنی همدان^{۷۱}، غیر قابل کتمان است.

مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی - که از جمله عابدان و زاهدان بود - در عالم رؤیا خدمت امام زمان علیه السلام رسید و عرض کرد: آیا این که فرمودید: «فلأندبنک صباحاً و مساءً و لأبکین لک بدل الدموع دماً» صحیح است؟ فرمود: آری، صحیح است.

عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون گریه می‌کردید؟ آیا

مصیبت حضرت علی اکبر است؟

حضرت فرمود: اگر علی اکبر هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.

- آیا مصیبت حضرت عباس است؟

- اگر عباس هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.



- آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا علیه السلام است؟

- اگر سیدالشهدا علیه السلام هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.

- پس کدام مصیبت است؟

- مصیبت اسیری زینب. ^{۷۲}

در قیام حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا و وسیله‌ای برای لذت‌طلبی و عیاشی تنزل داده‌اند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

و یجیء واللہ ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیہم خمسون امرأة یجتمعون بمکة علی غیر میعاد قزعا کقزع الخریف؛ ^{۷۳} به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می‌آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد.

ام سلمه نیز از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم چنین روایت کرده است: «یعود عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیہ کالطیر الوارد المتفرقة حتی یجتمع الیہ ثلاث مائة و اربعة عشر رجلاً فیہ نسوة فیظہر علی کل جبار و ابن جبار؛ ^{۷۴} در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع می‌شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده‌ای پیروز می‌شوند».

۱۳. دشواری حفظ دین

در دوران امام حسین علیه السلام بر اساس بدعت‌های خلفا و تبلیغات بنی‌امیه، دین بی‌ارزش و بازار دنیا پررونق بود: «الناس عبید الدنیا و الدین علی السنتہم ما درت معایشہم فاذا محصوا بالبلاء قلّ الدیانون؛ مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می‌باشد، مادامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود. اما همین که در بوته امتحان قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود» ^{۷۵}.

اگر نبود حسین علیه السلام - این خط روشن ولایت و وارث پیامبران - چراغ دین، آخرین



کورس‌های خود را می‌زد.

در عصر انتظار نیز حفظ دین، از سخت‌ترین کارها است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غيبة، المتمسک فيها بدینه كالخارط لشوك القتاد بیده - ثم اوماً ابو عبدالله علیه السلام بیده هكذا. قال: فايكم تمسک شوک القتاد - ثم اطوق ملياً ثم قال: ان لصاحب هذا الامر غيبة فليتق الله عند غيبته و لیتمسک بدینه؛^{۷۶}

برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) غیبتی خواهد بود. هر کس در روزگار غیبت او دین خود را حفظ کند، مانند کسی است که تیغ‌های تیزگیاه قتاد را با دستش صاف و هموار سازد؛ سپس حضرت با دست [مبارک] خویش اشاره فرمود که چگونه با دست، تیغ‌های قتاد را باید هموار ساخت. آنگاه افزود: کدام یک از شما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه قتاد را به دست بگیرد؟

سپس حضرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن گاه افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید».

در روایتی دیگر، آمده است:

«من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا، اعطاه الله اجر الف شهید مثل شهداء بدر و احد؛^{۷۷} کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قدم و استوار باقی بماند و نلغزد، چنان است که خداوند پادشاه هزار شهید مانند شهدای جنگ‌های بدر و احد به آنان عطا می‌فرماید».

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «یأتی علی الناس زمانٌ یغیب عنهم امامهم. فیا طوبی للثابتین علی امرنا فی ذلک الزمان؛^{۷۸}

روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان از [چشم] آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمان (غیبت در امر ولایت) ثابت قدم و استوار می‌مانند».

حضرت در ادامه، فضایل فراوانی برای کسانی که دین خود را حفظ می‌کنند، بیان



می دارد که این فضایل زیاد، به جهت سنگینی و عظمت کار آنان است.

پیامبر ﷺ فرمود: «اللهم لقنی اخوانی، مرتین... لاحدهم اشد بقية علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او كالقابض علی جمر الغضاء، اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنه غبراء مظلمة؛^{۷۹}

بارالها! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در پایداری و استواری در دین، از کسی که در دل تیره شب، شاخه پرتیغ گیاه قتاد را، با کف دست صاف و هموار می سازد، پایدارتر است؛ یا همانند کسی که صبورانه پاره آتشی را بر دست گیرد و در آن حال در دین خویش استوار باشد. آری، ایشان چراغ‌های هدایت [در شب تاریک و دیجور] هستند. خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تار رهایی می بخشد».

۱۴. سازش ناپذیری

حسین علیه السلام در رد درخواست یزید بر بیعت، با قاطعیت می گوید: «مثلی لا یبایع مثله»؛^{۸۰} حضرت مهدی علیه السلام نیز با هیچ کس سر سازش ندارد. امام باقر و صادق علیهما السلام می فرمایند: «لیس شأنه الا السیف؛ او فقط شمشیر را می شناسد»^{۸۱}، «یقتل اعداء الله حتی یرضی الله؛ دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی گردد».^{۸۲}

۱۵. تلاش جهت جذب و نیروسازی

حسین علیه السلام، مدام به فکر جذب نیرو و تربیت و سازندگی بود. و با نامه به شهرهای مختلف و سفرهای خود و با زندگی ساده و انفاق‌های خود، سعی در جذب و تألیف قلوب و تربیت و پرورش آنان داشت. او دو سال پیش از مردن معاویه، در «منا»، جمعی بالغ بر هزار نفر از صحابه و تابعان را گرد آورد و تمامی فضایل اهل بیت را به همراه ویژگی‌های دشمنان آنان، از قرآن بر آنان خواند.

آن حضرت در دوره یزید، در سفر خود از مکه به کربلا، از سیاست جذب نیرو چشم‌پوشید و افرادی همچون زهیر و حر را جذب نمود.

مهدی علیه السلام فرزند حسین علیه السلام نیز در میان ما و در حال تلاش و نیروسازی است و



لحظه‌ای از این مهم غافل نیست:

«ان يكون صاحبكم المظلوم، المجحود حقه، صاحب هذا الامر يتردد بينهم و يمشى في اسواقهم و يطأ فرشهم و لا يعرفونه حتى يأذن الله له ان يعرفهم نفسه؛^{۸۳} صاحب این امر... در میان آنان راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند. روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد؛ ولی او را نمی‌شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند.

در جلد دوم موسوعه امام مهدی (تألیف شهید محمد صدر) داستان‌هایی شنیدنی و موثق در این باره آمده است.

۱۵. انتظار

پیامبر ﷺ از خیلی پیش ترها، خبر شهادت امام حسین عليه السلام را داده بود. امام علی عليه السلام نیز می‌فرمود: «هیهنا مناخ ركاب و مصارع عشاق». این اخبار تا آن جا بود که کسانی، از مدت‌ها پیش در منطقه کربلا اقامت گزیده و منتظر یاری فرزند رسول خدا بودند و سرانجام به آرزوی خود رسیدند.^{۸۴}

پیامبر ﷺ و تمامی ائمه عليهم السلام، بشارت ظهور مهدی عليه السلام و دولت کریمه او را داده‌اند و باید منتظر بود که: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

۱۶. طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری حسین عليه السلام، هنوز هم از رواق تاریخ به گوش می‌رسد: «هل من ناصر ينصرني؛ هل من مغيث يغيثنا؛ هل من ذاب يذب عن حرم رسول الله». فریاد استنصار مهدی عليه السلام، نیز همواره بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا، با من پیوند زنند؟

می‌گویند با شنیدن فریاد «هل من ناصر حسيني»، گهواره علی اصغر تکان خورد! آیا با شنیدن «هل من ناصر مهدوي» نیز، دلی هست که بلرزد و با امامش عهد و پیمانی ببندد و به



کمک او برخیزد؟ آن هم در این عصر وانفسا؟!

«او در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می دارد: «ای مردم! ما از خداوند یاری می جوییم. هر که می خواهد ما را اجابت کند... از شما می خواهیم که به حق خدا و به حق رسول خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول الله (ص) می باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می کنند، از ما بازدارید که ما را ترسانده و بر ما ظلم کرده اند. از شهر و فرزندانمان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند. اهل باطل حقمان را گرفته، بر ما افترا بستند. خدا را درباره ما در نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید که خداوند شما را یاری می کند.»^{۸۵}

۱۷. تدبیر و مدیریت

مدیریت حسین علیه السلام، مدیریتی بی نظیر است. این که جماعتی اندک در برابر سپاهی سی هزار نفری، از پگاه صبح تا هنگام عصر مقاومت کنند؛ حکایت از مدیریت عالی و تدبیر بلند حسین (ع) دارد. او با تشکیل میمنه و میسره و علمدار و قرار گرفتن خود در قلب سپاه، به عنوان فرمانده و قرار دادن خیمه ها در جایگاهی مناسب - به طوری که پشت آن نهری خشک شده باشد - و ریختن نی و هیزم در آن و آتش زدن آنها در فرصتی مناسب و خیمه ها را در کنار هم بستن و... به طوری که دشمن نتواند آنها را محاصره کند و تنها از روبه رو با آنها بجنگد، نشان داد که از تدبیر و مدیریتی بی نظیر برخوردار است. امام با تسلطی شگرف تمامی صحنه ها را زیر نظر داشت و هم چون یک فرمانده پیروز تا آخرین لحظه، ذره ای ترس و واهمه به خود راه نداد. او در شب عاشورا از تمام منطقه نبرد، بازدید کرد و با گفت و گوی با اصحاب و اهل حرم همه آنان را به آمادگی و وسعت رسانید و خود و اهل بیت و اصحابش، با عبادت و دعا شب را به صبح رساندند. کسانی که صبح پرکاری دارند، باید شب ها را به پا خیزند و با خالق خود به راز و نیاز پردازند.

﴿يا ايها المزمّل قم الليل ... إنّ لك في النهار سبحاً طويلاً﴾^{۸۶}

مهدی علیه السلام نیز در مدیریت و تدبیر، همچون جد بزرگوار خود حسین (ع) است. تشکیل



یک حکومت جهانی و اداره همه انسان‌ها مدیریتی می‌خواهد سترگ، به عظمت سینه مهدی (ع) که: آله الریاسة سعة الصدر.

سؤم. رهیافت‌ها

با پیوندها به تحلیل می‌رسیم و با تحلیل‌ها به رهیافت‌ها. هر کدام از تحلیل‌ها، می‌تواند پیام آور رهیافت یا رهیافت‌هایی باشد. آن‌جا که یوسف علیه السلام با خواب عزیز مصر، به دو برنامه هفت ساله می‌رسد و مصر را از قحطی و گرسنگی نجات می‌دهد. چرانتوان با این همه پیوند و تحلیل، به رهیافت‌ها و در نتیجه به برنامه‌ریزی و موضع‌گیری مناسب رسید؟!.

این رهیافت‌ها (هم چون سیره تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی آن حضرت)، می‌تواند اساس برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان جامعه منتظر و حکومت دینی باشد.

۱. تبیین فرهنگ عاشورا

اگر «عاشورا» پشتوانه فرهنگی «انتظار» است؛ پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دو چندان کرد.

خیلی فرق است بین این که به «عاشورا»، به عنوان پشتوانه و عقبه فرهنگی و الهام‌پذیر انتظار نگاه شود؛ یا یک سنت برخاسته از عواطف و احساسات قومی.

رسانه‌های عمومی - به خصوص صدا و سیما - حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند.

«کربلا» دانشگاه بزرگی است با کلاس‌ها و درس‌های بسیار. ابعاد و آموزه‌های این دانشگاه بزرگ، هنوز هم بر بسیاری پوشیده است. باید در این دریای عمیق گسترده پربار، غواصانی ماهر و زبردست، به صید پردازند تا لؤلؤها و مرواریدهای گران‌بهای آن را به چنگ آورده، در اختیار خواستاران و خریداران قرار دهند.



هنوز هم این حرکت عظیم و منشور بی نهایت، زوایای پنهان و ابعاد گسترده‌ای دارد که تنها بر عاشقان رخ می‌نماید. این غزال گریز پا در کمند هر کس نمی‌افتد! پرورش یافتگان مکتب مهدوی، امام حسین علیه السلام را به عنوان معیار «سلم و حرب» و منشأ «الهام‌پذیری» می‌دانند. باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین شود.

۲. تبیین دین

عصر حسین علیه السلام، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین و فرزندش مهدی علیه السلام برای احیای دین است. منتظر مهدی، باید از دین و ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد؛ تا در این عصر - که عصر شبهات و فتنه‌ها است - بتواند زمینه ساز حرکت مهدی (عج) باشد.

۳. الگو سازی

حسین علیه السلام و یارانش الگوی منتظران‌اند؛ از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

۴. فرهنگ بسیج

ضرورتِ درگیری و نبرد، بایستگی «فرهنگ بسیج» را به عنوان یک راهبرد اساسی، فراروی حکومت دینی قرار می‌دهد. تقویت این نهاد مقدس، زمینه‌سازی برای ظهور است.

باید از کسانی که در هشت سال دفاع مقدس، از نبرد نهراسیدند و سختی‌ها و مشکلات راه را به جان خریدند، تجلیل کرد و سینما و ادبیات دفاع مقدس را - نه به عنوان یک تفنن - که به عنوان یک ضرورت و هدف راهبردی نظام، پی گرفت. بسیج برخاسته از فرهنگ جبهه و شهادت است. و به گفته امام راحل «مدرسه عشق است». این رهیافت شاخصه و معیار اساسی در انتخاب مسئولان و کارگزاران است. ترویج این فرهنگ و نهادینه کردن آن، باعث می‌شود که هر کس تکلیف خود را با مهدی علیه السلام روشن کند؛ تا در



اوج نبرد با اسبی که در خیمه مخفی کرده، فرار نکند و مهدی علیه السلام را همچون حسین علیه السلام تنها نگذارد.

۵. معرفت امام

کسانی می‌توانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خونخواه او باشند؛ این ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام علیه السلام. شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت‌های قومی و نژادی نیست؛ بلکه برخاسته از معرفت به «حق ولایت امام» است. این معرفت، معرفت به حسب و نسب و فضایل آنان نیست؛ بلکه عرفان به حق ولایت آنان است. «الست اولی بکم من انفسکم» و «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم». آنان از ما به ما آگاه‌تر و مهربان‌تراند و از همه کشش‌های نفسانی آزادند.

این شعار، شعار کسانی است که در تولد دوم^{۸۷} خود، رسول و امام را به ابوت برگزیدند و با درک اضطرار به وحی و حجت، از همه تقلیدها، تلقین‌ها، هوس‌ها، غریزه‌ها و... جدا شدند و در این تولد دوباره، رسول و امام را به عنوان مربی خود انتخاب کردند که: «انا و علی ابوا هذه الامة».

این درک از امام و این آگاهی از حق ولایت ایشان، ما را به مقام ابوت و در نتیجه خونخواهی آنان می‌رساند؛ آن هم نه پدر جسمانی من که پدر روحانی، مربی، هادی و پیشوای من؛ آن هم پدری که «مصباح»، «سفینه»^{۸۸}، «میزان»^{۸۹}، «وارث»^{۹۰}، «امین»^{۹۱} و «اسوه»^{۹۲} است و سبب سعادت و رستگاری^{۹۳}، امنیت، حفظ، نجات^{۹۴}، عزت، قبولی اعمال^{۹۵} من و... است.

این نگاه به امام و آگاهی از شئون و آثار ولایت آنان، ثمرات و بارهای زیادی با خود دارد و فاصله گرفتن از آن، ضررهای جبران‌ناپذیری با خود به همراه دارد. از گام‌های اساسی تمامی مراکز فرهنگی و آموزشی، تبیین دقیق این معنا از امامت - به عنوان رکن رکن اعتقادی انقلاب - است.



۶. عزت

«عزت»، اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می‌تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین‌المللی باشد. حکومت دینی - به عنوان زمینه ساز دولت کریمه مهدوی - از هرگونه رابطه و مذاکره‌ای که شائبه ذلت داشته باشد، پرهیز می‌کند. منتظر «دولت عزیز» (تعزّیها الاسلام و اهله)^{۹۶}، خود باید عزیز باشد. حسین علیه السلام هم می‌فرمود: «هیئات منّا الذلّة».

۷. تنش‌زدایی

حسین علیه السلام آغاز کننده جنگ نبود - گرچه دشمن در تیررس او بود - چرا که درگیری، پس از تبیین و اتمام حجت است؛ آن هم پس از آن که دشمن آغاز کننده باشد. منتظران مهدی نیز دو سیاست «عزت» و «تنش‌زدایی» را با هم دارند.

۸. آمادگی

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد. باید از الان به فکر عده و عده بود و با تهیه نیرو و اسلحه، در اندیشه روز مصاف حق و باطل بود تا این بار وعده خداوند به دست منتظران تحقق یابد. آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی حکومت‌های دینی است.

۹. جذب نیرو و تبلیغ

آن جا که حسین علیه السلام و مهدی علیه السلام از جذب نیرو و تبلیغ دین دست نمی‌کشند؛ تکلیف منتظران و پیروان آنان مشخص است. جذب نیرو و تبلیغ در سطح داخلی و خارجی، از تکالیف عمده حکومت‌های دینی، به عنوان زمینه سازان دولت کریمه مهدوی است.

۱۰. اخلاق

فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی، همواره به گوش می‌رسد باید این فریاد را پاسخ گفت؛ اما چگونه؟ امیرالمؤمنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام این چگونگی را پاسخ



می دهند:

«اعینونی بورع واجتهاد و عفة و سداد»^{۹۷}؛ با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا

یاری دهید».

«من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو

منتظر»^{۹۸}؛ کسی که دوست دارد، از یاران قائم باشد؛ باید منتظر باشد و در همان حال، از گناهان اجتناب

ورزد و خود را به اخلاق نیکو بیاراید».

ترویج اخلاق و فضایل اخلاقی، به عنوان راهبردی اساسی در حکومت دینی مطرح

است. این سیاست کلان و راهبردی به همراه راه کارهای اجرایی آن می تواند به عنوان یک

هدف و معیاری برای نقد تمامی ارگان‌های فرهنگی و آموزشی - تبلیغی باشد.

۱۱. عنایت بیشتر به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی علیه السلام و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد،

اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در طول تاریخ، سرمایه گذاری جدی صورت گیرد.

به نظر می رسد تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری بایسته برای

آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه‌ها، مراکز علمی - فرهنگی و مدیریت‌های

میانی و کلان جامعه، نقش زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان،

سرمایه گذاری‌های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان‌های

جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و عزمی

جزم، جهت جبران این ضایعه، می طلبد.





پی نوشت ها:

۱. پیامبر (ص) می فرماید: «ان لقتل الحسين حرارة في قلوب المؤمنين لا تبرد ابداً». مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳.
۲. «فاجعل لنا من امرنا فرجاً ومخرجاً يا ارحم الراحمين» دعای امام حسين عليه السلام. پیامبر در جای دیگر می فرماید: «ان للحسين في بواطن المومنين معرفة مكتومة» بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخير قذف في قلبه حب الحسين وحب زيارته و من اراد الله به السوء قذف في قلبه بغض الحسين و بغض زيارته» کامل الزيارات، ص ۱۴۳.
۳. ر.ک: مجله موعود، دکتر بلخاری، شماره های ۲۶ و ۲۵.
۴. احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.
۵. به برخی از این پیوندها در شماره قبلی همین مجله در مقاله «حسین (ع) و مهدی (ع)» اشاره شده است.
۶. ر.ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰ - ۱۳۹ و ۲۵۴ - ۲۶۴.
۷. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.
۸. دلائل الامامة، طبری، ص ۲۳۹.
۹. اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.
۱۰. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹.
۱۱. الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، یزدی حائری پور، ج ۲، ص ۲۸۲.
۱۲. النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۴۷، «به نقل از امام صادق عليه السلام».
۱۳. معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الايام خیابانی، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).
۱۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.
۱۵. مصباح الزائر، سید بن طاووس، به نقل از ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام، ص ۳۶۷.
۱۶. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).
۱۷. مصباح المتعجد، مفاتیح الجنان.
۱۸. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.
۱۹. همان.
۲۰. مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۲ و نیز ر.ک: حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی، ص ۱۱۵.
۲۱. مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۳.
۲۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. البته چنانچه دعای ندبه از جانب امام زمان (ع) باشد.
۲۳. ر.ک: مفاتیح الجنان، در اعمال هر یک از این روزها.
۲۴. مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸.
۲۵. امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.
۲۶. گزیده کفایة المهتدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.
۲۷. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۲؛ ایقاظ، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶.
۲۸. اسراء، ۶.
۲۹. ایقاظ، ص ۳۶۸.
۳۰. ر.ک: مجله انتظار، شماره ۲، ص ۱۸۸ و نیز ر.ک: صالحان صالح، ص ۱۸۷ و خلاصة العبقري الحسان، صص ۳۴، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲ و پادشه خوبان و سوگمندان ولایی.
۳۱. النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.
۳۲. الغدير، ج ۷، ص ۱۴.
۳۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.
۳۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۵، به نقل از مکیال المکارم.
۳۵. همان، ج ۴۵، ص ۱۸.
۳۶. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.
۳۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ (به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله).
۳۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و نیز ر.ک: همان، ص ۱۳۵ و کمال الدین، ص ۴۸۰.
۳۹. مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین عليه السلام.
۴۰. همان، دعای عهد.
۴۱. کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.



۴۲. تحف العقول، ص ۲۴۵.
۴۳. نهج البلاغه، خ ۱۳۸.
۴۴. تبلیغات بنی امیه تا آن جا بود که مردم شام، بنی امیه را اهل بیت پیامبر می دانستند. عبدالله بن علی وقتی از شام برگشت، گفت: انهم ما علموا لرسول الله قرابة و لا اهل بیت یرثونه غیر بنی امیه. مسعودی نیز در مروج الذهب (ج ۳، ص ۴۴) نقل می کند: «از یکی از بزرگان اهل شام که اهل رأی و عقل بود سؤال شد: ابوتراب کیست که این خطیب او را لعن می کند؟ جواب داد: من فکر می کنم یکی از دزدان فتنه انگیز باشد.
- ابن ابی الحدید، از امام باقر علیه السلام نقل می کند: سخت ترین زمان برای شیعیان ما زمان معاویه بود که در هر شهری آنها را می یافتند به قتل می رساندند و دست و پای آنها را می بریدند تا در زمان حاکمیت عبیدالله بن زیاد و حجاج در کوفه که مردم بیشتر دوست داشتند به آنها کافر و زندیق بگویند تا شیعه علی علیه السلام. (زمینه های قیام امام حسین علیه السلام، ص ۲۵۰).
۴۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.
۴۶. همان، ص ۳۱۱.
۴۷. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام، ج ۳، ص ۱۰۰ (به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ۵۴).
۴۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.
۴۹. نمل (۲۷)، آیه ۴۵.
۵۰. الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳.
۵۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.
۵۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۹۴.
۵۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۹ (امام رضا علیه السلام).
۵۴. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.
۵۵. بقره (۲)، آیه ۸۹.
۵۶. ر.ک: پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.
۵۷. منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹.
۵۸. کافی، ج ۸، ص ۳۸ (امام باقر علیه السلام).
۵۹. دعای ندبه.
۶۰. الملاحم و الفتن، ج ۲، ص ۶۶.
۶۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ (امام باقر علیه السلام).
۶۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ (امام صادق علیه السلام).

۶۳. رعد (۱۳)، آیه ۱۱.
۶۴. احزاب، ۶۲.
۶۵. اسراء، ۸۱.
۶۶. محمد (۴۷)، آیه ۷.
۶۷. بقره (۲)، آیه ۲۱۴.
۶۸. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۷۸؛ الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس ص ۱۳۹، ب ۶۳.
۶۹. عقد الدرر، ص ۹۴.
۷۰. وی اهل بصره و خانه اش، کانون شیعیان امام علی علیه السلام بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین علیه السلام شتافتند و شهید شدند؛ گرچه خود وی نیامد.
۷۱. پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمر سعد را به عنوان امیر خود برگزینند. زنان قبیله بنی همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می گفتند شما می خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟
۷۲. العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.
۷۳. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.
۷۴. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۰۰.
۷۵. تحف العقول، ص ۲۴۹؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.
۷۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.
۷۷. همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.
۷۸. همان.
۷۹. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.
۸۰. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.
۸۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.
۸۲. الغیبة شیخ طوسی، ص ۳۲.
۸۳. الغیبة نعمانی، ص ۸۴ و نیز ر.ک: همان، ص ۷۲.
۸۴. ر.ک: تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۶ و نیز ر.ک: ص ۲۲۴.
۸۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.
۸۶. مزمل (۷۳)، آیات ۱-۵.
۸۷. «لن یلج فی ملکوت السماء من لا یولد مرتین» (از کلمات حضرت مسیح علیه السلام). به ملکوت آسمان



راه نمی‌یابد؛ مگر کسی که دو بار متولد شود. تولد اول ما در مُلک است و در این تولد پدر ما همان پدر شناسنامه‌ای ما است. با تولد دوم و در آمدن از شکم غریزه‌ها و تقلیدها می‌توان به ملکوت آسمان راه یافت و در این تولد رسول و علی پدر ما و مربی ما هستند.

۸۸ «ان الحسین مصباح الهدی و سفينة النجاة».

۸۹ «علیّ میزان الاعمال».

۹۰. اشاره به زیارت وارث که ائمه علیهم‌السلام وارث فرهنگ وحی‌اند و از آن پاسداری کرده و آن را از دستبرد حوادث حفظ می‌کنند.

۹۱. اشاره به زیارت امین‌الله.

۹۲. «لکم فی اسوة». از سخنان امام حسین علیه‌السلام.

۹۳. «و فاز الفائزون بولایتکم» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۹۴. «ولایة علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».

۹۵. «بمواالاتکم تقبل الطاعة المفترضة» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۹۶. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۹۷. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۹۸. منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

